

سرونامه

نشان‌شناسی نقش سرودخانه‌های تاریخی فاخر کاشان



حسین صدقی

سرونامہ

نشانہ شناسی نقش سرود خانہ ہای تاریخی فاخر کاشان

حسین صدیقی



info@mirdashtibook.com

با کرامیداشت یاد و خاطره
شهید حسین شکرریز

تقدیم به سربازان سرزمینم
خصوصاً
شهید مصطفی صدقی

فهرست

مقدمه	۱۳
-------	----

فصل اول

تاریخچه و بررسی نماد سرو

اسطوره	۱۹
نماد	۲۱
رابطه نماد و اسطوره	۲۳
ارتباط نماد و دین	۲۵
طبقه‌بندی نمادها	۲۷
۱. روش اول	۲۷
۲. روش دوم	۳۰
نماد گیاه و درخت	۳۱
درخت در افسانه‌های ملل	۳۴
درخت زندگی	۳۷
درخت زندگی در ایران باستان	۳۹
سرو	۴۲
دلایل نماد شدن سرو	۴۴
نقشمایه سرو در الگوی کهن سه‌گانه	۴۵
نماد سرو در ایران	۴۷
۱. نماد سرو در ایران پیش از اسلام	۴۷

۴۸	۲. نماد سرو در ایران پس از اسلام
۴۹	سرو در اوستا
۵۰	اسطوره‌ای به نام سرو کاشمر
۵۲	روایات متنوع در باب سرو کاشمر
۵۴	سرو در ادبیات

فصل دوم

نقش درخت سرو در خانه‌های تاریخی شهر کاشان

۶۱	رابطه تاریخی معماری با سنن و اعتقادات اقوام
۶۱	زمینه تاریخی
۶۳	هنر اسلامی
۶۴	شهر و شهرسازی اسلامی
۶۷	شهر در دوره صفوی
۶۸	معماری ایران از صفویان تا دوره قاجار
۶۹	عناصر معماری دوره صفوی
۶۹	مصالح ساختمانی
۶۹	گچ و گچ‌بری
۷۱	خانه‌های تاریخی کاشان
۷۲	قسمت‌های مختلف خانه‌های تاریخی
۷۲	سردر ورودی
۷۳	هشتی ورودی
۷۳	راهروی ورودی

۷۴	ایوان و حیاط با اتاق‌هایی در جوانب آن‌ها
۷۴	حوض و باغچه‌ها و سرداب
۷۴	تزئینات خانه‌های تاریخی
۷۵	بررسی نقش سرو در گچبری خانه‌های تاریخی فاخر کاشان
۷۷	طرح‌افکنی نقش سرو در خانه‌های تاریخی فاخر کاشان
۸۰	خانه طباطبایی‌ها
۸۳	جایگاه نقش سرو در خانه طباطبایی
۸۶	خانه بروجرودی‌ها
۸۸	جایگاه نقش سرو در خانه بروجرودی
۹۰	مجموعه (خانه) عباسیان
۹۱	حیاط عباسیان
۹۵	حیاط تقوی
۹۶	حیاط مسعودی‌فر
۹۸	حیاط حقانی
۹۹	حیاط عباسی مقدم
۱۰۰	جایگاه نقش سرو در خانه عباسیان
۱۰۶	مجموعه عامری‌ها
۱۰۷	حیاط ابراهیم خلیل‌خان عامری
۱۰۸	حیاط یوسفی
۱۱۲	جایگاه نقش سرو در خانه عامری‌ها
۱۱۳	هتل مهین سرای راهب یا مهنستان راهب (خانه شاه‌یلانی)

- جایگاه نقش سرو در خانه شاه‌یلانی ----- ۱۱۴
- نمونه‌های متفاوت از نقش سرو در خانه‌های تاریخی فاخر کاشان ----- ۱۱۵
- الف) از نظر جایگاه نقش ----- ۱۱۶
- نقش سرو در ورودی خانه (هشتی) ----- ۱۱۶
- در محل ورودی‌های داخلی ----- ۱۱۶
- در نمای ایوان‌ها و شاه‌نشین ----- ۱۱۶
- دیوارها ----- ۱۱۷
- اتاق‌ها ----- ۱۱۷
- تالار شاه‌نشین ----- ۱۱۸
- سرداب‌ها ----- ۱۱۹
- حوض‌خانه‌ها ----- ۱۱۹
- ب) از نظر شکل و الحاقات ----- ۱۲۱
- الف) نقش سرو در قاب ----- ۱۲۱
- ۱- قاب یا کادر بسته ساده ----- ۱۲۳
- ۲- قاب یا کادر ساده محرابی ----- ۱۲۴
- ۳- قاب قوسی (نعلی شکل) ساده ----- ۱۲۵
- ۴- قاب یا کادر ساده محرابی چندقوسی ----- ۱۲۶
- ۵- قاب یا کادر محرابی تزئینی ----- ۱۲۷
- ۶- قاب یا کادر تو در تو یا چندکادری ----- ۱۲۸
- ۷- قاب‌قابی ----- ۱۲۹
- ب) نقش سرو و اضافات و الحاقات ----- ۱۲۹

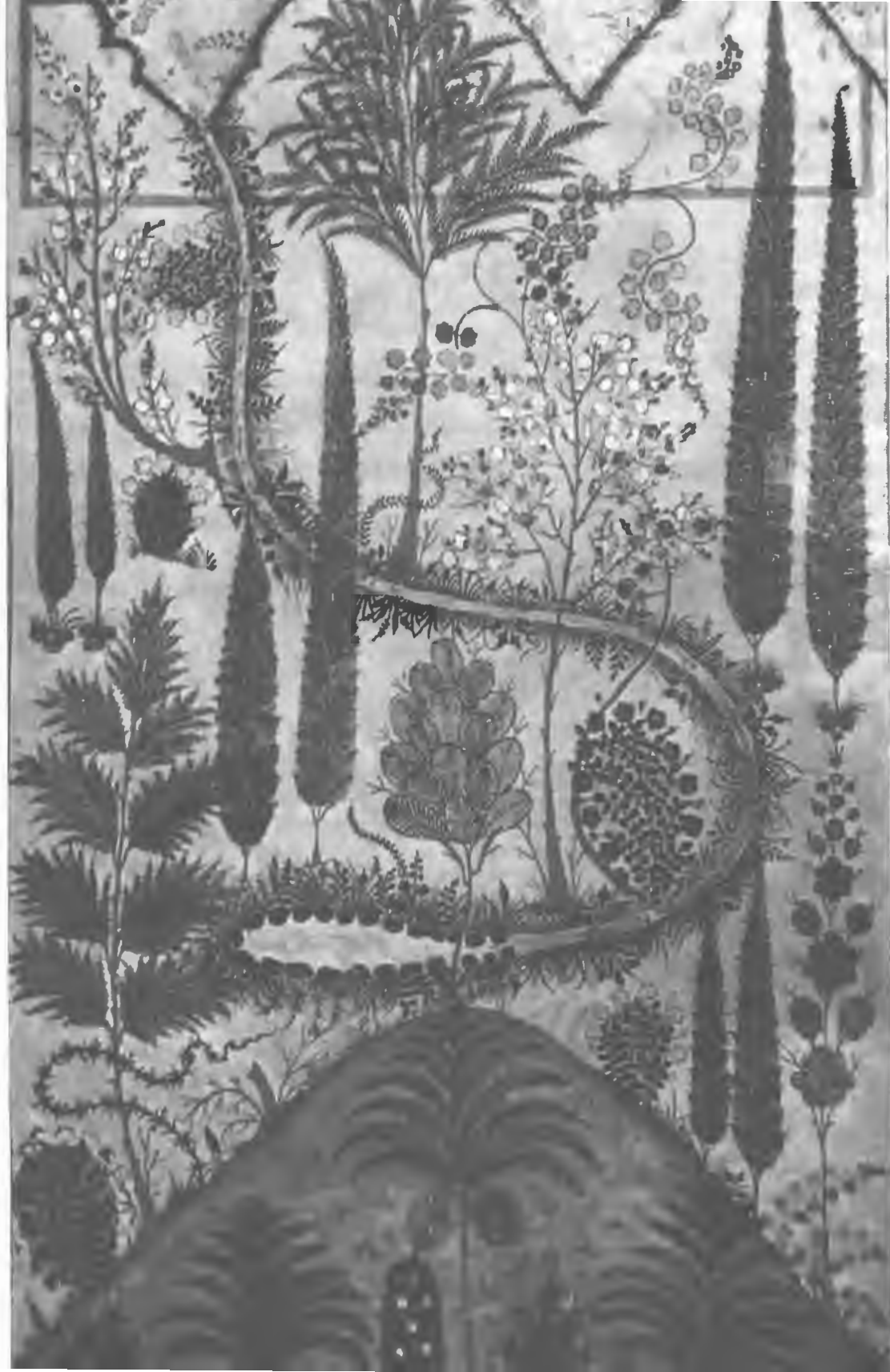
- ۱- سرو با نقش اضافی در بالای آن ----- ۱۲۹
- ۲- نقش سرو با الحاقات پایینی ----- ۱۳۱
- ۳- الحاق نقش پرنده به سرو ----- ۱۳۲
- ۴- نقش سرو بدون الحاقات (خالص) ----- ۱۳۲
- ۵- سه گانه سرو ----- ۱۳۳

فصل سوم

سیر تطور و تحلیل نقش سرو

- مبانی عملی در نقش اندازی نماد سرو ----- ۱۳۷
- سیر تطور نقش سرو در گذر زمان ----- ۱۳۸
- وجه تمایز مرحله یکم ----- ۱۳۸
- وجه تمایز مرحله دوم ----- ۱۳۸
- وجه تمایز مرحله سوم ----- ۱۳۹
- تحلیل (آنالیز) نقوش سرو ----- ۱۳۹
- تحلیل (آنالیز) نقش سرو با پایه دو شاخه ساده و سرترنج توپُر (سرو زربین) ----- ۱۴۱
- اجزای تشکیل دهنده سرو به لحاظ فرم ----- ۱۴۲
- تحلیل (آنالیز) نقش سرو با پایه کلالة ساده و سرترنج منقوش (سرو ناز) ----- ۱۴۳
- اجزای تشکیل دهنده سرو در شکل سرو با نقش محرابی ساده ----- ۱۴۴
- تحلیل (آنالیز) نقش سرو با پایه کلالة ای توپُر و بدون سرترنج (زربین) ----- ۱۴۵
- اجزای تشکیل دهنده سرو در شکل سرو با نقش قاب ----- ۱۴۶
- تحلیل (آنالیز) نقش سرو معکوس با پایه کلالة ساده و سرترنج منقوش ----- ۱۴۷
- اجزای تشکیل دهنده سرو در شکل سرو معکوس ----- ۱۴۸

- تحلیل(آنالیز) نقش سرو در سه گانه سرو کهن(سرو آزاد) ----- ۱۴۹
- اجزای تشکیل دهنده سرو به لحاظ فرم ----- ۱۵۰
- تحلیل(آنالیز) نقش سرو خالص با دو پرندۀ(سرو شیراز) ----- ۱۵۱
- اجزای تشکیل دهنده سرو در شکل سرو با نقش قاب ----- ۱۵۲
- تحلیل(آنالیز) نقش سرو با تَه ترنج نسبتاً پُرکار و دو پرندۀ(سرو ناز) ----- ۱۵۳
- اجزای تشکیل دهنده سرو به لحاظ فرم سرو و دو پرندۀ با تَه ترنج نسبتاً پُرکار ----- ۱۵۴
- تحلیل(آنالیز) نقش سرو با تَه ترنج پُرکار و دو پرندۀ(سرو ناز) ----- ۱۵۵
- اجزای تشکیل دهنده سرو به لحاظ فرم سرو و دو پرندۀ در قاب ----- ۱۵۶
- تحلیل(آنالیز) نقش سرو نازک با دو پرندۀ در نوک سرو(سرو آزاد) ----- ۱۵۷
- تحلیل(آنالیز) نقش سرو با تَه ترنج پُرکار دو پرندۀ در بالای سرو(سرو ناز) ----- ۱۵۹
- اجزای تشکیل دهنده سرو به لحاظ فرم سرو ستبر و دو پرندۀ ----- ۱۶۰
- تحلیل(آنالیز) نقش سرو خالص با دو پرندۀ در بدنه سرو(سرو خمره‌ای) ----- ۱۶۱
- اجزای تشکیل دهنده سرو به لحاظ فرم سرو و دو پرندۀ در قاب ----- ۱۶۲
- تحلیل(آنالیز) نقش سرو باریک خالص بدون الحاقات(سرو زربین) ----- ۱۶۳
- اجزای تشکیل دهنده سرو به لحاظ فرم سرو باریک خالص ----- ۱۶۴
- تحلیل(آنالیز) نقش سرو ستبر(سرو ناز) ----- ۱۶۵
- اجزای تشکیل دهنده سرو به لحاظ فرم سرو ستبر ----- ۱۶۶
- کلام آخر ----- ۱۶۷
- منابع ----- ۱۶۸



مقدمه

جایگاه شایستهٔ والای نماد سرو در فرهنگ ایرانی، علاوه بر نقش‌های مکشوفه در آثار چندهزار سالهٔ منطقه، در تعبیرات و تشبیهات صدها شاعر و نویسنده، و در داستان‌های عامیانه مردم که سینه به سینه جاری گردیده‌است، جلوه‌هایی از جاودانگی، بالندگی، آزادی و صفای سرو در قلمروهای پهناور حوزهٔ نفوذ زبان فارسی، طی قرن‌ها بازتاب یافته است. به‌طوری که آن را میتوان در هزاران بیت و مضمون زیبا و دلانگیز سخنوران اعصار گذشته باز یافت. اگر آن منقوشات و این مضامین را به دنبال هم، به ترتیب زمانی تدوین و تنظیم کنیم، به راستی یکی از زیباترین بوستان‌های پُر معنای جهان را در اختیار خواهیم داشت.

درختان همیشه سرسبز مانند سرو و سرو آزاد و کاج، نزد بسیاری از اقوام آسیایی و مدیترانه‌ای نماد فناپذیری و جاودانگی است، در برخی گفته‌ها و روایت‌های اساطیری، روح و جان افراد خوب پس از مرگ به سرو تبدیل می‌شود. و از اینجا است که کنار گورها از دوران اساطیر در ایران، هندوستان، چین و شرق اروپا یافت شده است و از این لحاظ، مربوط به امور تدفینی بود، که بدن را پس از مرگ از فساد حفظ می‌کرد. بر روی یادمان‌های مربوط به میترا (مهر)، هفت سرو، دلالت بر هفت سیاره دارد، که روح، در سفر خود به سوی آسمان، از آن‌ها می‌گذشته است.

در روایات کهن ایرانی زمین‌های بیابانی جایگاه هجوم اهریمن و جایگاه تاخت و تار نیروهای اهریمنی به حساب می‌آمده. خشکی و خشکسالی که سبب پیشروی بیابان‌ها می‌شود، در ستیز دائم و بی‌امان با نیروهای اهورایی چون گیاه و جانور است. درخت سرو با قابلیت‌های فوق‌العاده‌ای که دارد هجوم نیروهای اهریمنی را مهار می‌کند و رویشگاه‌های طبیعی رستنی‌ها و زیستگاه‌های جانوران را توسعه می‌بخشده است.

هنرمندان با دگرگونی و اغراق در مختصات طبیعی و یا ترکیب ویژگی‌های گوناگون، به آثار نمادین خاصی رسیده‌اند که به بیان حقایقی در ورای ظاهر خویش می‌پردازند. از طرفی نگرش نمادین دینی به کل کائنات سبب گردیده تا هنرمندان در حوزه معرفت دینی و ملی ضمن رعایت جنبه‌های واقع‌گرایانه به پرداخت نمادین روی آورده و از نمادهای انتزاعی در آثار خود بهره‌گیرند. این خلاقیت‌ها همواره متناسب با نیازها و خواسته‌های اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی جوامع بوده است.

با گردشی در خانه‌های تاریخی فاخر کاشان، در انبوه نقوش گیاهی گچ‌بری شده، جایگاه ویژه‌ای را می‌توانیم برای نقش سرو متصور شویم. نقوش سرو که مظهری از سرسبزی و جاودانگی نیروهای اهورایی به حساب می‌آمده است، در این خانه‌ها از نظر شکل ظاهری و مختصات نقوش داخلی به چند دسته تقسیم می‌گردد. از نظر جایگاه و مکان نقش‌اندازی نیز به سبب درهم تنیدگی اعتقادات مذهبی مردمان این سرزمین با سنت‌ها و آیین‌های باستانی ایرانی، مفاهیم اسطوره‌ای آن نیز، حضور خود را در طول تاریخ حفظ نموده و این حضور معانی و مفاهیم خاصی را تداعی کرده که در این مقال به بیان آن پرداخته‌ایم.

و سرانجام، هنرمندان این مرز و بوم، با توجه به ارتباط مستقیم انسان با نقوش و حضور مستمر در زندگی روزمره‌اش به عنوان کارکردهای مذهبی یا اسطوره‌ای، استفاده از عناصر نمادین را علاوه بر جنبه‌های تزئینی نقش سرو، موثر یافته و آن‌ها را توسعه داده‌اند.

حسین صدقی

پاییز ۹۸

فصل اول

تاریخچه و بررسی نماد سرو

اسطوره

«اسطوره عبارت است از روایت یا جلوه‌ای نمادین درباره ایزدان، فرشتگان، موجودات فوق طبیعی و به طور کلی، نگاه جهان شناختی است که یک قوم به منظور تفسیر خود از هستی به کار می‌بندد؛ اسطوره سرگذشتی راست و مقدس است که در زمانی ازلی رخ داده و به گونه‌ای نمادین و تخیلی وهم‌انگیز می‌گوید که چگونه چیزی پدید آمده، هستی دارد، یا از زمان خواهد رفت، و در نهایت اسطوره به شیوه‌ای تمثیلی کاوشگر هستی است.» (اسماعیل‌پور، ابوالقاسم، اسطوره بیان نمادین، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۷، ص ۱۴)

اسطوره واکنشی از ناتوانی انسان در مقابله با درماندگی‌ها، ضعف او در برآوردن آرزوها و ترس او از حوادث غیر مترقبه است. از سوی دیگر، اسطوره تجسم احساسات آدمیان است به گونه‌ای ناخودآگاه، برای تقلیل گرفتاری‌ها یا اعتراض به اموری که برای ایشان نامطلوب و غیرعادلانه است و چون آن را تکرار می‌کند، آرامش به آن‌ها دست می‌دهد. به طور کلی می‌توان گفت

در بسیاری از موارد هنگامی که فاقد معلومات کلامی صحیح برای توضیح یک پدیده باشیم به اسطوره‌سازی روی می‌آوریم؛ تا بتوانیم با استفاده از زبان رایج، یک تجربه معنوی را به دیگران منتقل کنیم.

«اسطوره بن‌مایه‌ی دینی و فلسفی دارد، فلسفی نه به معنای امروزی‌اش، بلکه تنها استدلالی تمثیلی از جهان پیرامون، روایات اساطیری می‌تواند درباره آفرینش کیهان، طبیعت، انسان یا درباره ویرانی نیروهای اهریمنی باشد. گاه سرچشمه مرگ را توجیه می‌کند و گاه سرنوشت ایزدان و پهلوانان را رقم می‌زند.» (اسماعیلی‌پور، ابوالقاسم، اسطوره بیان نمادین، انتشارات سروش تهران، ۱۳۷۷، ص ۱۵)

انسان عصر نو، خود را محصول جریان تاریخی عالم می‌شناسد و جریان تاریخ



مهراستوانه‌ای با نقش سه‌گانه‌ی دو بز کوهی و یک درخت

و سیر زمان را بازگشت‌ناپذیر می‌داند. اما انسان عصر کهن به تاریخی قدسی، مینوی و به زبان دایره‌ای (چرخشی)، تکرارپذیر و تجربه‌شدنی باور داشت که هر سال نو می‌گشت. در نزد آنان، جهان، هر سال از نو آفریده می‌شد. (همان ص ۱۰)

اسطوره در میان اقوام و ملل مختلف دامنه وسیعی از رفتارهای اجتماعی، فرهنگی و روانی ملت‌ها را در بر گرفته است.

به گفته الیاده: «مهم‌ترین کارکرد اسطوره عبارت است از کشف و آفتابی کردن سرمشق‌های نمونه‌وار همه آئین‌ها و فعالیت‌های معنادار آدمی؛ از تغذیه و زناشویی گرفته تا کار و تربیت، هنر و فرزاندگی. (میرچا الیاده، چشم اندازه‌های اسطوره، ترجمه جلال ستاری، تهران ۱۳۶۲، ص ۱۷)

فضای اسطوره فضایی ازلی-ابدی است و در حقیقت اسطوره بی‌زمان و بی‌مکان است. انسان با روایت اسطوره و اجرای آئین‌های اساطیری از زمان فانی عبور کرده و پای در جهان بهشتی می‌گذارد و لذا اسطوره مقدس و مینویی می‌شود.

نماد

نماد عنصری با مفاهیم والا و دست نیافتنی است که مسیرهای ارتباطی خود را با واقعیات عینی زندگی انسانی برقرار ساخته اند.

این عناصر نمادین، گاه به شیوه مجرد و انتزاعی و گاه با اغراق در واقعیت موجود از نظر مکانی و زمانی شکل می‌گیرد. نماد با ترکیب ویژگی‌های مختلف توانمند

گردیده و نقوش خاصی را با عملکردهای متفاوت، ظاهر می‌گرداند. این تظاهر نمادین، پیوندهای معنایی و مفهومی با گستره ازلی-ابدی را فراهم می‌سازد.

نمادها مجموعه بسیار گسترده‌ای از نقوش بسیار ساده تا نقش‌های خیلی



جام طلای مارلیک با نقش سه گانه گاو بالدار و نخل تزئینی

پیچیده و عمیق را در برمی‌گیرد. بر اساس یافته‌های بعضی از رمزشناسان، نمادین شدن یک شی را ارتباط منتقل شده‌ای می‌دانند که با شکل ظاهری‌اش دارد، علاوه بر آن حاصل نوعی فرافکنی ذهنی لاعلاج، حاصل شده از ترس‌ها، درمانگی‌ها و آمال و آرزوهای دست نیافتنی او می‌باشد که به‌وسیله نماد به صورت ناخود آگاه هیجانات روانی انباشته، تخلیه خواهد شد. لذا آدمیان با

ساخت نمادها علاوه بر انتقال مفاهیم ذهنی خود به دیگران به آزادسازی روح و ذهن خود از بن‌بست‌های روانی کمک بسیار بزرگی می‌کردند. اصولاً آفرینش هر نقشی دارای یک سری از مفاهیم می‌باشد که متفاوت از مقصود خالق آن نقش خواهد بود. اگر بخواهیم بین پیام هنرمند و درک مخاطب ارتباطی برقرار کنیم باید پیام نقوش برای ببیننده آن قابل قبول بوده و در گستره دریافت‌های ذهنی مخاطبین که ممکن است مفهومی یا قراردادی باشد، گنجانده شود.

رابطه نماد و اسطوره

اسطوره‌ها ترکیبی از مفاهیم نمادین و تمثیلی هستند. اسطوره‌پرداز، خود هنرمندی توانا بوده که به گونه‌ای شهودی، حضوری و بی‌واسطه، نقش‌های اساطیری را خلق کرده است. تصاویر تمثیلی که هیچ منطق و استدلال ریاضی برای آن تعریف نمی‌شود. اسطوره علاوه بر اشعار و قصص به صورت نقش و نگار نیز وجود دارد. این نقوش، تعریفی نمادین از آداب و رسوم موجود در تمدن‌های می‌باشد. نکته حائز اهمیت، استفاده از هنرهای رایج در هر تمدن برای ایجاد نماد و اسطوره‌های خاص خود است. لذا برای درک رمز و راز نگاره‌های اسطوره‌ای اقوام، باید به بررسی آیین‌ها، اعتقادات، رفتارهای اجتماعی، فرهنگی و روانی اقوام پرداخت.

«زمینه‌های پیدایش نماد را می‌توان در دو بستر عمده بررسی کرد. اسطوره و آیین‌ها بنا به سرشت و ویژگی‌های مشترکشان با نماد پیوند ذاتی دارند. زیرا همان گونه که نماد بر معنایی جز معنای ظاهری دلالت می‌کند در اسطوره و آیین‌ها نیز شاهد مفاهیمی خارج از حوزه درک مستقیم هستیم. (کفشچیان

مقدم، اصغر، یاحقی، مریم، بررسی عناصر نمادین در نگارگری ایران فصلنامه علمی-پژوهشی باغ نظر، شماره نوزدهم، سال هشتم، زمستان ۱۳۹۰

از نکات دیگر در مورد نماد و اسطوره، رابطه شکل و معناست. به طوری که خورشید برای نور، کوه برای استواری (جایگاه برتر) و آتش برای سوزاندن، معانی ملموسی در ذهن آدمی ایجاد می نماید که غیر از آن، قابل تصور نمی باشد.



پیشکش سرو در مراسم عبادی، ایزد بانو به پادشاه می دهد

یعنی هیچ انسانی نمی تواند، تصویری از خورشید برای تاریکی یا آتش برای سرما و... داشته باشد. این ها رابطه مستقیم از شکل و معناست. در مرتبه دوم سختی، عظمت و بلندی کوه، شباهتی بی نظیر از رابطه شکل و معنا می باشد. در مرتبه ای نازل تر، برای انسان اعصار گذشته، شباهت بین شکل و معنا، ارتباطی مستحکم می یابد که حاصل شناخت نیروهای موجود در طبیعت و

موجودات پیرامونش بوده است. مثلاً شیر و عقاب سنبل قدرت و اسب نماد سرعت می‌شود.

فردریش تئودور فیشر نماد را به عنوان ارتباط تصویر (چیز دیدنی) بامعنا (مفهوم) از طریق نقطه شباهت تعریف می‌کند. مثلاً گاوِ نر از طریق نقطه شباهت نیرو و توان جسمی‌اش، نماد نیروی آغازین می‌گردد. بنابراین شباهت داشتن یک نقش به یک عنصر طبیعی (از نظر ریخت و فرم) دلیل قاطعی بر رابطه بین آن دو نمی‌باشد.

ارتباط نمادودین

با نگاهی تاریخی به رابطه نماد و دین مشاهده می‌کنیم که هنرمند دینی با بهره‌گیری از زبان نمادین به بیان پیام‌های دینی و آئینی پرداخته است. به بیان دیگر، هنر و دین در اعصار مختلف همنشین یکدیگر بوده‌اند. آئین پرستش و رسوم مذهبی به طور عام در تمامی آئین‌ها و ادیان به صورت سمبلیک برگزار می‌شده است. از بررسی آثار اولیه در غارهای لاسکو و فون دو گوم به کارکرد مراسم جادویی-آئینی شکار و نقش‌های سمبولیک خاص آن که در شکاری نمادین، موفقیت شکار حقیقی را مجسم و میسر می‌گردانیده است، دست می‌یابیم.

با بررسی بیشتر می‌توانیم به این نکته اساسی پی ببریم که نمادپردازی جزء انکارناپذیر همه ادیان و آئین‌های رایج از ابتدا تاکنون می‌باشد. اکثر عناصر موجود در آثار هنری در حوزه دینی و آئینی، مملو از مفاهیم نمادین، نشانه‌های

نمادین و نمادهای طبیعی (همچون رنگ و) می باشد.

در واقع می توان گفت زبان نمادین، زبانی است که هنر در تمدن های دینی برمی گزیند و مفاهیم درونی خود را به وسیله آن بیان می کند. مفاهیمی که وجهی استعلایی دارند و به حقیقتی الوهی اشاره دارند و چون امر مقدس و ماوراءالطبیعه در چارچوب مادی و زمینی نمی گنجد، لذا برای بیان و انتقال مفهوم آن به ذهن پیروان ادیان، به استفاده از نماد پرداخته می شود. به عبارتی نماد، زبان هر مذهب و آئین بشری است.

چنانچه امروز هم آئین مذهبی ادیان ابراهیمی و دین زردشت و آئین بودایسم و... به شکل سمبلیک برگزار می گردد . «تمام اعمالی که فرد مسلمان در آئین حج به جا می آورد از جمله پرتاب سنگ به سمت شیطان، هفت دور گردش به دور خانه کعبه و... جنبه نمادین دارند و دیگر این که تمامی عناصر مسجد که محل عبادت مسلمانان است گویای معنای باطنی هستند.